هنر

مشاهیر ساکت ۱۴

سلام آقای میرمیران .....

گفت‌و گو با بازیگران مجموعه هشدار برای کبری ۱۱ ..... ۱۵

انسان ریخته .....

سینما و ادبیات

گفت‌و گو با شادمهر راستین ۱۶

اهمیت چارلی کافمن بودن .....

گفت‌و گو با احمد آرام ۱۷

جای خالی فراموشی .....

اندیشه و تاریخ

بی‌اعتمادی در ایران ۱۸

کنفرانس سالانه منطق، ریاضی و فیزیک .....

ناصرخسرو در دژ شمیران ۱۹

شارلوت برونته .....

کتاب

داریوش آشوری و کشاکش سنت و مدرنیته ... ۲۰

اساطیر، تخیل یا واقعیت .....

رسانه

رادیو ۶۶ ساله شد

اینجا تهران است صدای ایران

محمد مهاجر*

«اینجا تهران است صدای ایران» این اولین جمله‌ای بود که ۶۶ سال پیش از رادیو پخش شد.

در جاده قدیم شمیران (خیابان شریعتی)، نرسیده به پل سیدخندان سمت راست خیابان، عمارت کلاه‌فرنگی قدیمی را می‌شود دید که قدمتی هفتادساله دارد. هشتاد سال پیش این عمارت را دویست‌هزار مترمربع زمین و باغ دربرگرفته بود. به آنجا قصر قاجار می‌گفتند. نخستین دکل موج بلند به ارتفاع ۱۲۰ متر که هنوز پایه آن موجود است در سال ۱۳۰۳ در این محوطه به وسیله وزارت جنگ نصب شد. فرستنده ۲۰ کیلوواتی موج بلند هم در بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۰۴ نصب و در ششم اردیبهشت ۱۳۰۵ کار بی‌سیم با پخش تلگرامی برای جلب همکاری بین‌المللی آغاز شد. از آن زمان تاسیسات مذکور به بی‌سیم قصر معروف شد. تلگراف بی‌سیم و تاسیسات مربوطه مبنای تاسیس رادیو بود. همان‌طور که می‌دانیم پخش رادیویی پیام همان پخش پیام به طریق بی‌سیم است و ارتباط رادیویی، ارتباطی است بی‌سیم.

چون طبق قانون، ورود دستگاه‌های مخابراتی و استفاده از آنها تنها در حیطه مسئولیت وزارت پست و تلگراف و تلفن بود، اشخاص حقیقی و حقوقی به‌رغم داشتن علاقه و سرمایه مادی لازم، اجازه تاسیس رادیو در ایران را نداشتند. در همان سال‌ها بین شخصی به نام داود موشه لازار و دایره تجارت داخلی وزارت فلاحت و تجارت مکاتباتی انجام گرفته و این اداره در پاسخ موشه لازار چنین نامه‌ای را نوشته: «وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در جواب مراسله مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۲۹ راجع به تاسیس دستگاه رادیو در ایران اشعار می‌دارد که ورود دستگاه تلگراف و تلفون بی‌سیم گیرنده و یا مخابره‌کننده مطالب و آلات و اسباب آن جز برای اداره تلگراف بی‌سیم دولت شاهنشاهی به طور کلی ممنوع است لکن وارد کردن و استفاده از دستگاه‌های رادیو کنسر که فقط برای شنیدن نغمات به کار رود و همچنین تاسیس سینمای ناطق در ایران با رعایت مقررات مربوطه مانعی ندارد. مواد مطابق اصل است. به امضا غلامرضا معفول»

در ماه‌های آخر سال ۱۳۱۸، رضاشاه (پهلوی اول) پس از بازگشت از ترکیه و به تقلید از مصطفی کمال‌پاشا، دستور داد تا مقدمات تاسیس رادیو در ایران فراهم شود و این مهم را به عهده سازمان پرورش افکار گذارد. رئیس کمیسیون رادیو، وزیر دارایی محمود بدر، معاون او سعید نفیسی و رئیس دبیرخانه ابراهیم خلیل سپهری کارمند عالی‌رتبه وزارت پست و تلگراف و تلفن بودند.

ابراهیم سپهری در این باره می‌نویسد: «زمستان سال ۱۳۱۸ بود، من مدیر و سردبیر روزنامه فرانسوی‌زبان «ژورنال دوتهران» بودم. روزی نامه‌ای به امضای وزیر دارایی محمود بدر به دستم رسید که مرا دعوت به شرکت در کمیسیون عالی پرورش افکار نمود. کمیسیون عالی در یکی از سالن‌های وزارت دارایی موسوم به عمارت خوابگاه (خوابگاه ناصرالدین‌شاه که در آن زمان متعلق به وزارت دارایی در شمال کاخ گلستان بود) تشکیل می‌شد. سازمان پرورش افکار، سازمانی مستقل بود که زیر نظر نخست‌وزیر (احمد متین‌دفتری) اداره می‌شد. بعد از صدور فرمان تاسیس رادیو، قرار شد از دو فرستنده موج کوتاه بیست کیلوواتی و موج متوسط دوکیلوواتی وزارت پست و تلگراف و تلفن که برای ارسال تلگراف بی‌سیم توسط کارخانه آلمانی تلفونکن Telefunken، در بی‌سیم قصر نصب شده بود، استفاده شود.

در ضلع غربی میدان توپخانه (میدان امام خمینی) در جوار اداره راهنمایی و رانندگی (ساختمان مترو امروز) طبقه دوم و سوم عمارت متعلق به لیستر که جمعاً شش اتاق داشت به دبیرخانه سازمان پرورش افکار اختصاص یافت. برای آمادگی پخش برنامه، پس از افتتاح رادیو، جمعی از استادان و نویسندگان عالیقدر از جمله استاد نفیسی و دکتر ذبیح‌الله صفا و عده‌ای از بانوان روشنفکر، یک سلسله گفتارهای ادبی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و خانه‌داری را قبلاً تهیه کرده بودند به طوری که احتیاجات رادیو را برای مدت سه ماه تامین می‌کرد، عده‌ای مترجم و ماشین‌نویس را هم استخدام کردیم و برای انتخاب گوینده، در باشگاه افسران و با حضور عده‌ای از دانشمندان و ادبا و متخصصان صوت (از جمله عده‌ای آلمانی) جلسات تشکیل شد و امتحانات دقیقی به عمل آمد. کارهای فنی رادیو با وزارت پست و تلگراف و تلفن (ابراهیم علم و شوکت‌الملک وزرای وزارت پست و تلگراف و تلفن بودند) بود و امور مربوط به دستگاه‌های فرستنده و استودیو زیر نظر دکتر داریوش رئیس کل بی‌سیم اداره می‌شد. موسیقی زیر نظر سرگرد غلامحسین مین‌باشیان رئیس مدرسه عالی موسیقی بود و اخبار و مطالب مربوط به آن را هم من فراهم می‌کردم. بودجه رادیو که فقط هشتاد هزار تومان بود، توسط سازمان پرورش افکار تامین می‌شد.»

بعد از فراهم شدن مقدمات، رادیو در ساعت ده بامداد روز چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ به وسیله ولیعهد (محمدرضا شاه، پهلوی دوم) و با حضور احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر افتتاح شد. پخش برنامه‌ها رسماً از ساعت ۶ بعدازظهر با پخش مستقیم مراسم افتتاحیه از مدرسه دارالفنون آغاز شد. برنامه‌ها تا سال ۱۳۳۶ که فرستنده صد کیلوواتی نصب و راه‌اندازی شد، برای تهران و با نام رادیو تهران پخش می‌شد و از این سال که صدای رادیو تقریباً به سراسر ایران می‌رسید با نام رادیو ایران پخش شد. رادیو تهران در دو بخش صبح‌ها به‌مدت دو ساعت و نیم و عصرها شش ساعت، جمعاً هشت ساعت و نیم، برنامه پخش می‌کرد.

عمارت کلاه‌فرنگی در بی‌سیم قصر، اولین محل رادیو، از دو طبقه تشکیل می‌شد، طبقه اول شامل یک اتاق انتظار و دستگاه‌های فرستنده و تقویت‌کننده بود و طبقه دوم از یک اتاق تشکیل می‌شد که با نصب پرده در سقف و دوبل کردن در ورودی و خروجی و سیمان‌کاری دیوارهای داخلی، به‌صورت استودیو درآمده بود و همه برنامه‌ها اعم از گفتار یا موسیقی در همین استودیو اجرا و به صورت زنده و مستقیم پخش می‌شد.

تا سال ۱۳۲۷ وضع چنین بود ولی فاصله ۹ کیلومتری فرستنده بی‌سیم قصر از شهر (آن زمان محله سیدخندان و بی‌سیم قصر خارج از شهر بود) و وجود تنها یک اتومبیل برای بردن و آوردن اعضای ارکستر و گویندگان باعث شد تا در میدان ارک دو استودیوی کوچک ساختند و اخبار از آنجا پخش می‌شد.

از پاییز ۱۳۱۹ برای اداره بهتر رادیو، اداره با نام اداره کل انتشارات و تبلیغات به‌وجود آمد. دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) در این‌باره می‌نویسد: «در شهریور ۱۳۱۹، که اداره دانشسرای عالی و دانشکده‌های ادبیات و علوم برعهده من بود، دولت مرا مامور تاسیس اداره کل انتشارات و تبلیغات نمود. من ابتدا از قبول این ماموریت استنکاف کردم و سعی نمودم آقای نخست‌وزیر را منصرف کنم و چند روز هم در خانه نشستم لیکن معلوم شد که تصمیم مذکور از طرف شاه اتخاذ شده و تغییرپذیر نیست. والا حضرت ولایتعهد نیز مرا به قبول آن ترغیب نمودند. این بود که از اواسط مهرماه با اختیارات تام به‌کار مشغول شدم. پس از فراهم کردن محل مناسب برای اداره، خیابان سوم اسفند (سرهنگ سخایی فعلی)، کوچه تدارکات، خانه سیدالعراقین مغرب ساختمان اپرا و تهیه اثاثیه و استخدام اعضای لازم برای امور دفتری و اداری و انتقال اداره نامه‌نگاری از وزارت کشور و خبرگزاری پارس از وزارت امور خارجه و رادیو از وزارت پست و تلگراف و تلفن، درصدد برآمدم هدف اساسی و خط‌مشی و برنامه کار اداره کل انتشارات و تبلیغات را معین کنم. برای استفاده از نظرات دانشمندان کشور، بر حسب پیشنهاد من و تصویب دولت، اعلیحضرت رضاشاه اجازه فرمودند که شورای عالی انتشارات از این اشخاص تشکیل شود: ذکاءالملک فروغی، محمد قزوینی، دکتر غنی، دکتر محمود سیاسی، دکتر محمود افشار، دکتر رضازاده شفق و کلنل علی‌نقی وزیری. پس از چند جلسه بحث و گفت‌وگو، برنامه مفصلی برای چند سال تهیه و بودجه هم براساس آن برنامه نوشته شد که در حدود ده میلیون ریال بود. در آن موقع که در اثر جنگ جهانی دوم، وسایل فنی ما بسیار کم و ناقص بود سه موضوع اصلی موردنظر بود. نخست رعایت بی‌طرفی در جنگ. برای این کار من ناگزیر بودم روزی پانزده ساعت کار کنم و تمام خبرها و گفتارها و تفسیرهای رادیو را شخصاً بخوانم و هرجا تردیدی داشتم از نخست‌وزیر بپرسم. موضوع دوم آگاه شدن از اخبار جنگ و دنیا بود. در آن موقع اشخاصی که به زبان‌های بیگانه کاملاً آشنا باشند نادر بودند در نتیجه زحمات زیاد، دوازده نفر برای گوش کردن به ایستگاه‌های مهم و گزارش مهمترین اخبار پیدا و مامور این کار شدند. در آن موقع همه‌جا و همیشه، برق وجود نداشت. در خانه من نیز برق دائمی از ترانسفورماتور برقرار شده بود و شب‌ها شخصاً به رادیوها گوش می‌دادم. موضوع سوم بیان و تشریح مقاصد و منویات دولت ایران بود که به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، عربی و ترکی هر روز پخش می‌شد و علاوه بر وزرای مسئول، عده‌ای از نویسندگان مبرز در تهیه گفتارها همکاری می‌کردند. در قسمت موسیقی، چون اکثریت مردم ایران همیشه از این نعمت محروم و نخستین‌بار در تاریخ، افراد ملت قادر به استفاده از ساز و آواز شده بودند، و نهایت علاقه را به آن ابراز می‌داشتند، حداکثر مجاهدت به عمل آمد که بهترین هنرمندان در موسیقی رادیو شرکت جویند. به این ترتیب خواندن مثنوی و شاهنامه و زدن نی و سنتور و کمانچه و مانند آن در رادیو معمول شد و ارکسترهای خوب به وجود آمد.»

دکتر صدیق تا شهریور ۱۳۲۰ عهده‌دار این مقام بود و سپس وزیر فرهنگ شد. تا تثبیت و تکمیل شدن سازمان رادیو، اختلافات متعددی بین ادارات و سازمان‌های متعدد برای اداره رادیو بروز می‌کرد و بارها و بارها اداره رادیو دست به دست شد و نام‌های متعددی به خود گرفت تا سال ۱۳۴۲ که کل تشکیلات رادیو به وزارت اطلاعات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی) منتقل شد و در سال ۱۳۵۰ به همراه تلویزیون سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران را به وجود آورد.

رادیو طی آن سال‌ها به این نام‌ها خوانده می‌شد: انتشارات و تبلیغات، اداره تبلیغات، رادیو و خبرگزاری، انتشارات و رادیو، انتشارات و اطلاعات و اداره کل انتشارات و رادیو.

برخی از مدیران و سرپرستان این ادارات عبارت بودند از: دکتر عیسی صدیق، دکتر قدیمی، ذکاءالملک غفاری، طباطبایی، دکتر شادمان، مطیع‌الدوله حجازی، زین‌العابدین رهنما، دکتر حسن صفوی، ابراهیم سپهری، باخدا، دکتر مصباح‌زاده، ادیب‌السلطنه سمیعی، عبدالله الفت، دکتر بیانی، دکتر هومن، معدل‌شیرازی، بهرام شاهرخ، شیروانی، کمال‌زاده، طایر، دکتر نخعی، ابوالقاسم پاینده، سرهنگ مهتدی، شریفی، صفایی، بشیر فرهمند، بزرگمهر، دکتر رهنما، دکتر عدل، ذوالفقاری، آموزگار، آزمون، نصرت‌الله معینیان، جهانگیر تفضلی، محمود رجا، بهرام بوشهری، اسماعیل پوروالی و مهندس عاطفی. تا شهریور ۱۳۲۰ اداره رادیو (تشکیلات اداری آن) در خیابان سوم اسفند قرار داشت ولی چون محل کافی برای همه بخش‌های مختلف را نداشت، محل جدیدی در خیابان لاله‌زار، متعلق به اتحادیه، تاجر معروف اجاره شد که شامل چندین حیاط و باغ و حوضخانه بود و در گذشته به اتابک صدراعظم عهد قاجار تعلق داشت و از سمت غرب به کوچه سیرک در خیابان فردوسی می‌خورد. تا سال ۱۳۲۳ اداره رادیو در همین محل بود و بعد به میدان ارک (رادیو تهران فعلی) منتقل شد. و هم‌اکنون جز رادیو تهران و اداره کل نمایش، بقیه شبکه‌های رادیویی در محل جام‌جم، ساختمان شهدا مستقر هستند و پخش رادیو هم در جام‌جام قرار دارد.

از اولین گویندگان رادیو باید از رضا سجادی، ابوالقاسم طاهری، تقی روحانی، موثقی و خانم‌ها قدسی رهبری، دکتر طوسی‌حائری، کوکب پرنیان و مولود عاطفی نام برد.

از اولین تهیه‌کنندگان هم می‌توان از پاشا سمیعی، فریبرز امیرابراهیمی، کریمان و مهندس هوشنگ بروشکی نام برد.

اولین نوازندگان و موسیقیدانان را هم اینها تشکیل می‌دادند: مشیر همایون شهردار، طاطایی، عبدالحسین شهنازی، حبیب‌الله سماعی، ابوالحسن صبا، کلنل وزیری، روح‌الله خالقی، ابراهیم منصوری، مهدی خالدی، مرتضی نی‌داوود، موسی معروفی، مرتضی محجوبی، جواد معروفی، حسین تهرانی و حسین طاهرزاده.

از اولین خوانندگان هم می‌توان از این افراد نام برد: تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، جواد بدیع‌زاده، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، روح‌بخش و غلامحسین بنان.

*** محقق و نویسنده: تهیه‌کننده ارشد رادیو**

روز اول رادیو

وزارت فرهنگ
۱- برنامه صبح چهارم اردیبهشت
گشایش رادیو در بی‌سیم قصر (مطابق برنامه جداگانه)
۲- برنامه عصر چهارم اردیبهشت
در دارالفنون
تمام یا قسمتی از برنامه زیر به وسیله رادیو پخش می‌شود:
۱- سرود شاهنشاهی
۲- گشایش به وسیله جناب آقای نخست‌وزیر
۳- گزارش کمیسیون سخنرانی به وسیله جناب آقای اعلم: ۱۰ دقیقه
۴- گزارش کمیسیون نمایش به وسیله جناب آقای علی نصر: ۱۰ دقیقه
۵- سرود مهرشاه: ۵ دقیقه
۶- گزارش کمیسیون رادیو به وسیله جناب آقای خسروی یا جناب آقای حکیمی: ۱۰ دقیقه
۷- گزارش کمیسیون کتاب‌های درسی به وسیله جناب آقای رهنما: ۱۰ دقیقه
۸- سرود ستایش شاه: ۵ دقیقه
۹- گزارش کمیسیون موسیقی به وسیله سرگرد مین‌باشیان: ۱۰ دقیقه
۱۰- گزارش کمیسیون مطبوعات به وسیله آقای حجازی: ۱۰ دقیقه
۱۱- سرود کوشش: ۵ دقیقه
۱۲- اعلام شعارهای پرورش افکار به وسیله آقای دکتر غنی: ۱۰ دقیقه
۱۳- چند نامه موسیقی ایرانی: ۱۰ دقیقه
۱۴- گزارش دبیرخانه به وسیله آقای فرهودی: ۱۰ دقیقه
۱۵- اعطای جوایز
۱۶- چند قطعه موسیقی اروپایی: ۱۰ دقیقه
۱۷- چکامه در باب سازمان پرورش افکار به وسیله آقای یزدقهرمان: ۵ دقیقه
۱۸- دو پرده نمایش: ۲۰ دقیقه

روز دوشنبه ۱۳۱۹/۲/۹

کمیسیون رادیو
برنامه رادیو تهران
روز دوشنبه ۱۳۱۹/۲/۹

■ بخش اول
۱۱/۴۵-۱۱/۳۰: سرود شاهنشاهی اعلام برنامه روز
۱۲-۱۱/۴۵: گفتار خانه داری
۱۳-۱۲: موسیقی (صفحه)
۱۳/۱۵-۱۳: اخبار به زبان فارسی
۱۳/۳۰-۱۳/۱۵: اخبار به زبان عربی
۱۳/۴۵-۱۳/۳۰: اخبار به زبان ترکی
۱۴-۱۳/۴۵: اخبار به زبان روسی

■ بخش دوم
۱۷/۴۵-۱۷/۱۵: موسیقی (صفحه)
۱۸-۱۷/۴۵: اخبار به زبان فارسی
۱۸/۳۰-۱۸: موسیقی (صفحه)
۱۸/۴۵-۱۸/۳۰: تاریخ ایران
۱۹/۱۵-۱۸/۴۵: ساز و آواز ایرانی (صفحه)
۱۹/۳۰-۱۹/۱۵: گفتار کشاورزی
۲۰-۱۹/۳۰: ساز و آواز ایرانی (صفحه)
۲۰/۱۵-۲۰: گفتار بهداشتی
۲۰/۳۰-۲۰/۱۵: سکوت
۲۱-۲۰/۳۰: موسیقی غربی (توسط ارکستر اداره موسیقی کشور)
۲۱/۱۵-۲۱: اخبار به زبان فارسی
۲۱/۳۰-۲۱/۱۵: اخبار به زبان فرانسه
۲۲-۲۱/۳۰: موسیقی غربی (توسط ارکستر اداره موسیقی کشور)
۲۲/۱۵-۲۲: اخبار به زبان انگلیسی
۲۲/۳۰-۲۲/۱۵: اخبار به زبان آلمانی
۲۳/۳۰-۲۲/۳۰: موسیقی (رقص)
سرود شاهنشاهی پایان برنامه

پنجره

ظرفیت‌های رادیو

محمدرضا طورانی*

تحولات سریع و عمیق رشته ارتباطات در چند سال اخیر باعث بروز نوعی احساس نیاز برای اصحاب رسانه در جهت تقویت جایگاه خود در نزد مخاطبان شده است. اصولاً مخاطب به‌عنوان یک مشتری و خریدار کاملاً آزاد و مطلع باید بتواند به راحتی از میان فرستنده‌های متفاوت در چارچوب قوانین جاریه کشور رسانه مورد نظر خود را انتخاب نماید. انقلاب اسلامی ایران به واسطه چهره برتر فرهنگی خود توانست تاثیرات شگرف در حوزه رفتار، افکار، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه پدید آورد و از آنجایی که رسانه به‌عنوان یک ابزار فرهنگی تلقی می‌شود شاهد افزایش میزان مقبولیت رسانه‌ها در میان جامعه ایرانی شود. گاهی مطبوعات بر موج این محبوبیت ایستاد، زمانی تلویزیون و به نظر می‌رسد در حال حاضر رادیو می‌تواند به‌راحتی بر بلندای این افتخار بایستد. در چند سال اخیر با توجه به اینکه رادیو نیز همراه تلویزیون از لحاظ کمی و تعدد شبکه‌ها رشد چشمگیری داشته است اما این رشد با توسعه نیز همراه بوده است به این معنا که شبکه‌های رادیویی متفاوت دقیقاً بر لبه‌ها و شیارهای تنوع خواست‌ها، نیاز، مطالبات و ذائقه‌های مخاطبان طراحی شده است و این مهم توانست رضایتمندی نسبی را در میان مخاطبان به‌وجود آورد. از دیگر سو به واسطه عدم اشتغال نسبی پرسنل و نیروی انسانی رادیو در شبکه‌های مختلف رادیویی، معضلی به نام موازی‌کاری و شباهت‌سازی برنامه‌ها به حداقل خود رسیده است و تنوع و ابتکار و خلاقیت در برنامه‌های رادیویی بیشتر مشهود است. رادیو به‌عنوان یک رسانه گرم توانایی ایجاد ارتباطی بی‌پرایه، صمیمی و ماندگار را دارد و این تعامل باعث تحریک مخاطب جهت حضور فعال‌تر در ارائه پیشنهاد، دیدگاه، نقطه‌نظر، انتقاد و تقدیر از برنامه‌های رادیویی می‌شود و این امر فرآیند اعتمادسازی اخبار و اطلاعات رادیو را در نزد مخاطب تقویت می‌نماید. پراکندگی و توزیع بیشتر رادیو از یک سو و سهل‌الوصول بودن این رسانه نیز یکی از امتیازات ذاتی آن به‌شمار می‌رود. این ویژگی به‌ویژه در روستاها و شهرهای کوچک توانسته است تاثیر زیادی در ارائه اطلاع‌رسانی و آموزش و آگاهی مخاطبان در حوزه‌های مختلف روستایی، کشاورزی و عشایری دارد و باعث تقویت فرآیند توسعه پایدار در کشور می‌شود. رادیو همچنین توانایی زیادی در ترتیب و پرورش عناصر و عوامل تلویزیون نیز دارد چرا که بسیاری از تهیه‌کنندگان، مجریان، بازیگران و گزارشگران تلویزیون از درون رادیو وارد سیما شدند که این امر اهمیت رادیویی را بیش از گذشته نمایان می‌سازد. ارتباط شبکه‌های رادیویی به صورت میان‌بخشی با یکدیگر نیز خود یکی دیگر از نقاط مثبت این رسانه محسوب می‌شود چرا که این امر باعث انتقال تجارب برنامه‌سازان مختلف در شبکه‌های متفاوت می‌شود که به خودی خود می‌تواند فرآیند پردازش و تحلیل هر یک از شبکه‌های رادیویی را از منظر مخاطبان فراهم آورد. اما به نظر می‌رسد رادیو از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های دیگری نیز برخوردار است که تاکنون نتوانسته از آن استفاده کند. وجود بعضی از عناصر و عواملی که به‌صورت پاره‌وقت یا برنامه‌ای در رادیو فعالیت دارند و بعضاً دارای تجارب، تخصص و تحصیلات بسیار بالایی هستند نقش بسیار زیادی در ارتقای سطح کیفی برنامه‌ها داشته و دارند اما متاسفانه ساختار رادیو نتوانسته است با ساماندهی و به‌کارگیری بیشتر و دقیق‌تر این عوامل زمینه‌های استفاده بیشتر از آنها را فراهم آورد. بعضاً مشاهده می‌شود بسیاری از متخصصان در رشته‌های مختلف علمی فقط به‌صورت کارشناس و یا مجری مورد استفاده قرار می‌گیرند در صورتی که این عده می‌توانند با توجه به تجارب بالای خود در حوزه برنامه‌سازی و سردبیری نیز فعالیت نمایند، اما این امکان کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. در صورتی که اگر این امر تحقق یابد سهم برنامه‌های زنده نسبت به برنامه‌های تولیدی افزایش می‌یابد و این به‌خودی خود کیفیت، مطلوبیت، هیجان، طراوت و شادابی برنامه‌ها را ارتقا می‌دهد. سهم و مقدار گزارش‌ها در برنامه‌های رادیویی به میزان کافی وجود ندارد و این یک ضعف عمده به‌شمار می‌رود، چرا که اصولاً گزارش‌های مردمی یکی از ابزارهای لازم جهت دریافت و تحلیل اطلاعات لازم از سطح جامعه جهت برنامه‌سازی است. موضوع بعدی نمایشنامه‌های رادیویی است. اصولاً یکی از اوقاتی که رادیو بیشترین مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد زمان پخش نمایش‌های رادیویی با مضامین فرهنگی و اجتماعی است. اصولاً بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها و همچنین پیوند تاریخی بین نسل‌ها انتقال آنها از طریق نمایش است که به‌نظر می‌رسد باید زمان پخش آن افزایش یابد. افزایش برنامه‌هایی با قالب گفت‌وگو اما به صورت میزگردی و با حضور بیشتر آحاد جامعه به‌ویژه نسل جوان نیز یکی از کارکردهایی است که رادیو می‌تواند در زمینه ایجاد ارتباط بیشتر با مخاطب از آن سود ببرد که خروجی این نوع برنامه‌ها خود می‌تواند در انتخاب سوژه با موضوعات و مضامین مورد قبول برای برنامه‌سازان مورد استفاده قرار گیرد. در هر صورت رادیو به‌واسطه ویژگی‌های خاص خود در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، اما در حال حاضر به‌نظر می‌رسد به‌واسطه اینکه گروه‌های مختلف جامعه به دلایل متفاوت از جمله مشکلات اقتصادی و معیشتی معمولاً در چندین شغل مشغول فعالیت هستند لذا فرصت کمتری برای حضور در منزل دارند در نتیجه نیاز رسانه‌ای خود را با وسیله ارتباط جمعی ارزان و سهل‌الوصول‌تری به نام رادیو برطرف می‌کنند لذا می‌بایست اهتمام بیشتری در جهت رشد و توسعه کیفی و کمی این رسانه به‌ویژه رسیدگی به مسائل و مشکلات عوامل انسانی ورزید چرا که از یاد نبریم رادیو رسانه‌ای چندمنظوره است و این ویژگی متمایز همیشگی بوده، هست و خواهد بود.

***استاد دانشگاه**

خبرها

گردش صدا در اطراف متن

مسعود پیوسته

رسانه رادیو در ایران ۶۶ساله شد. بیش از نیمی از این زمان به دوره قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گردد که یاد آن برای بازنشسته‌های امروز رادیو و البته بازنشسته‌های بیرون رادیو، توام با نوستالژی است. هنوز در مصاحبه‌ها وقتی با برخی هنرپیشه‌های مرد یا زن که ۵۰-۴۰ سال پیشینه فعالیت هنری دارند صحبت می‌شود، می‌بینیم و می‌خوانیم که بهترین خاطراتشان از روز ورود به عالم هنر عموماً سال‌های ورود به رادیو است. آن هم بیشتر از گروه کودک و به عنوان مهمان یا مجری و بازیگر کارشان را شروع کردند و امروز در عالم سینما و تئاتر و دوبله و... اند. یا شنونده‌های قدیمی هم هنوز رادیو را با قصه شب و گل‌های جاویدان و... به یاد دارند که اتفاقاً از خاطرات خوششان است. هم اینان آیا امروز رادیو را با همان حس و حال می‌پندارند؟! نسل سومی‌ها این رسانه را بلافاصله پس از این طیف چگونه می‌بینند؟ (یعنی می‌شنوند و درمی‌یابند.) وقتی همزمان با اوج گیری ارتباطات و فناوری در جهان و ایران و انواع اتفاقات سیاسی- اجتماعی در محیط پیرامون پا به درون مجموعه رادیو می‌گذاریم و می‌خواهیم از کم و کیف رادیو و رادیویی‌ها بدانیم که در این سال‌های پس از انقلاب به خصوص از سال‌های توسعه کمی رادیو یعنی سال‌های ۱۳۷۲ تا امروز چه بر رادیو گذشت؛ و آیا عنصر «خیال» بر تارک ساختمان شهدای رادیو یا ساختمان ارک در شرف موزه شدن به غلیان درآمده و تا اوج رفته و توانسته در مقطعی دیگر از حیات رادیو در ایران مقدمات «نوستالژی‌سازی» را فراهم کند یا آنکه نه مقهور و مبهوت انواع رخدادهای گسترده ارتباطاتی و رسانه‌ای در جهان امروز شده و تحولات همه‌جانبه در زیست عموم شهروندان بر اثر شوک ارتباطی- اجتماعی و سیاسی- و رغبت گریز از جمع و پناه بردن بر صندلی‌های تنهایی اتوبوس و مترو و حتی بی‌رادیو و استقبال از تنهایی محض! دیگر راهی یا جایی برای «خیال» و «خیال‌پردازی» نمانده و خود رادیو امیدوار به اثر قالب‌شکنی‌های اخیرش با اتکا به همان شیوه‌های «جویباری» در دهه‌های گذشته در پی حفظ مخاطب و پرورش «خیال» او با هدف تاثیر بر او است؟!

■■■

به خاطر خیلی خاص و فنی بودن دو شبکه قرآن و معارف، فقط برجسته‌های رفتار عمومی ۹ شبکه دیگر را نظاره می‌کنیم. به‌رغم تنوع موضوعات و محورهای شبکه‌ها و خاص بودنشان و ورودشان به چهار حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد، رادیو کماکان (به خصوص از دهه هفتاد تا امروز) در عناصر تشکیل‌دهنده خود (متن ـ Text-، کلام، موسیقی و افکت که برخی «سکوت» را هم به آن اضافه می‌کنند) مشکل دارد. مشکل رادیو سکوت منطقی رادیو یا افکت آن نیست بلکه هر موقع رادیو، نسبت به «متن» به یک آشتی و مصالحه و البته باور تغییر برسد، مطمئناً در پی آن دیگر عناصر رادیو، به خصوص موسیقی می‌توانند به اتفاق «رادیو» را در این تراکم رسانه‌ای دنیای امروز به مفهوم واقعی خود به عنوان یک رسانه شنیداری خیال‌انگیز مرتبط با مخاطبان هر چند نامتجانس خود نزدیک کنند. به هر حال آنچه از کلیت روند رادیو در ایران پیداست، به‌رغم برگزاری هفتمین جشنواره رادیویی در ایران (از سال ۱۳۷۹) با توجیه «رفاقت و رقابت» و انتخاب برترین‌ها و البته در کنار گردهمایی‌های احوال پرسانه مفصل دو، سه روزه در ساحل زیباکنار و امسال شاید در دل جام‌جم رادیو هنوز به واقع نتوانسته به طور روزانه یا شبانه‌روز، در بین این همه قیل و قال رسانه‌ای و توسعه ارتباطات و اتصالات و از آن سو دلمشغولی‌های متنوع مخاطبان به یک «اتصال کم‌انفصال» دست یابد. بلکه عموماً گذرنده، تیتروار، دوپهلو و چندلایه‌ای می‌گوید و نمی‌گوید. مراد از مخاطب آن پنجاه یا یکصد شنونده (به قول برخی تهیه‌کننده‌های رادیویی، شنوندگان پاتوقی) نیست که با همه شبکه‌ها در ارتباط‌اند و تلفن می‌زنند و هنوز از شنونده‌های پروپاقرص هستند و دوست دارند وقت برنامه زیادتر شود و برنامه‌ها را گرم و سرپا نگه می‌دارند! بلکه مراد انبوه مخاطبانی است که می‌خواهند رادیو بشنوند اما هرچه سعی می‌کنند ارتباطشان با رادیو برقرار نمی‌شود. انگار هنوز دارند فهرست و سرفصل مباحث و نیازها را می‌شنوند و درگیر مزه‌مزه متن‌اند تا خود ورود به اصل متن.

من در عالم خود.
تو در عالم خود.

و او هم در عالم خود. بنابراین رادیو هست، صدایش هست، اما تاثیرش و دلبری‌اش نیست. شاید دو، سه مثال از روند برنامه‌سازی تا نگاه عوامل رادیویی نسبت به رادیو و نهایتاً انزوای مخاطب از همدم تنهایی خود یعنی رادیو، خود گویای رادیوی امروز باشد که این روزها (از ۲۷ اردیبهشت روز جهانی ارتباطات) پس از قریب به سه دهه از پیروزی انقلاب به یک خروجی و به یک شبکه مستقل با نام TalkRadio (گفت‌وگو و دوازدهمین شبکه رادیویی در جمهوری اسلامی) رسیده است که استقلال آن را به عنوان یک رادیوی از منولوگ درآمده و به دیالوگ رسیده باید به زمان در پیش‌رو واگذاشت و در انتظار عملیات بی‌طرفانه، در عین حال «روشنگر» آن نشست.

■■■

و این همه، گویای رنگ و لعاب بخشنامه‌ای جلد شبکه‌های رادیویی است که خلاقیت را در حصار بخشنامه گرفتار کرده و هنوز به «متن» ورود نکرده و در اطراف متن می‌گردد.